

تحلیل عوامل کلیدی و پیشران های مؤثر بر وضعیت آینده منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس

رضا رحیمی^۱، کیومرث یزدان پناه^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۶

چکیده:

منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس در دهه های گذشته آستان تحولات فراوانی بوده است و میان بازیگران سیاسی فعال در این منطقه به ویژه کشورهای همسایه خلیج فارس دوره های فراوانی از تنش و درگیری فراوانی وجود داشته است. اکنون و در سایه تحولات جدید منطقه زمره هایی مبنی بر کاهش تنش میان کشورهای منطقه به ویژه ایران و عربستان دیده می شود که می تواند در صورت عملیاتی شدن منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس را متأثر کرده و شرایط آینده منطقه را به لحاظ بسترهای همکاری اقتصادی، امنیتی، نظامی، فرهنگی و زیست محیطی بهبود بخشد. پژوهش بر این فرض استوار است که در صورت تحقق همگرایی مسالمت آمیز با تکیه بر اشتراکات و نیازی متقابل کشورها همانند نیازهای اقتصادی، نظامی، انرژی و زیست محیطی و... شرایط مطلوبی در سطح منطقه در حوزه های مختلف فراهم خواهد شد. هدف از این پژوهش تحلیل عوامل کلیدی و پیشران های مؤثر بر وضعیت آینده منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس است. پژوهش حاضر بر اساس روش تحقیق اکتشافی - کاربردی به نگارش درآمده و داده های مورد نیاز از طریق مصاحبه با متخصصان تهیه شده است. نتایج پژوهش نشان داد عوامل مؤثر بر وضعیت آینده منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس به ترتیب شامل عواملی چون شرکای فرامنطقه ای، نفوذ قدرت های بزرگ، ایجاد بازار مشترک، همکاری دریایی، تجارت نفت و گاز، رقابت های تسلیحاتی، منازعات درون منطقه ای، مناسبات ارزی، ترازیت کالا و ورود چین هستند و در صورت بهره برداری صحیح از این عوامل کلیدی می توان به همگرایی ژئوپلیتیکی در منطقه دست یافت.

واژگان اصلی: منطقه ژئوپلیتیکی، خلیج فارس، آینده پژوهی، میک مک

۱. دانشجوی دوره پسادکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) reza_rahimi68@ut.ac.ir

۲. دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

در دهه های گذشته و به واسطه بسیاری از تحولات سیاسی روابط میان کشورهای همسایه خلیج فارس با چالش های جدی رو به رو شد و تنش های فی ما بین نقش مخربی در منطقه داشته است. اکنون و در سایه تحولات جدید منطقه زمزمه هایی مبنی بر کاهش تنش ها و بهبود روابط سیاسی و ژئوپلیتیکی میان کشورها به ویژه میان ایران و عربستان دیده می شود که در صورت عملیاتی شدن می تواند منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس را متأثر کرده و شرایط آینده منطقه را به لحاظ بسترهای اقتصادی، امنیتی و نظامی بهبود بخشد.

در دهه های گذشته آنچه که بر روابط کشورهای این منطقه به ویژه روابط میان ایران و عربستان به عنوان دو قدرت برتر و موثر منطقه حاکم بوده است، فارغ از برخی همکاری های دوجانبه و چندجانبه محدود، دستاوردی جز رقابت، تنش، جنگ و درگیری و در نتیجه تشدید بحران های ژئوپلیتیکی نداشته است.

این شرایط نامطلوب برای همه کشورهای منطقه در حالی استمرار دارد که از آنسو مشاهده می شود در بسیاری از مناطق ژئوپلیتیکی جهان همانند جنوب شرق آسیا کشورهای منطقه ای با همگرایی، تأکید بر روی اشتراکات و در نتیجه تعامل در حوزه های مختلف به ویژه در حوزه اقتصاد به دستاوردهای ارزشمندی دست یافته اند. در منطقه خلیج فارس و با توجه به وزن ژئوپلیتیکی کشورها و بسترهای موجود این انتظار وجود دارد که دو قدرت منطقه ای یعنی ایران و عربستان بستر ساز شکل گیری ائتلاف منطقه ای و همگرایی کشورها با یکدیگر باشند و منافع جمعی مثل منافع اقتصادی و امنیتی زمینه تعامل سازنده کشورهای منطقه را فراهم کنند، اما همانطور که اشاره شد جز برخی همکاری های محدود و ناپایدار نه تنها این مهم تاکنون محقق نشده است، بلکه در سال های گذشته با جدی شدن مذاکرات هسته ای ایران و آمریکا و امضای برجام بین ایران و کشورهای ۱+۵ از یک سو و از سوی دیگر روی کار آمدن دولت «دونالد ترامپ» در آمریکا و نیز ظهور داعش در سوریه و عراق، آرام آرام روابط ایران و عربستان از سطح رقابت ژئوپلیتیکی به سطح خصومت و درگیری تغییر کرد.

اکنون و پس از یک دوره تشدید تنش و درگیری با روی کار آمدن دولت «جو بایدن» در آمریکا و نیز دولت «سید ابراهیم رئیسی» در ایران، نشانه هایی مبنی بر کاهش تنش میان کشورهای عربی واقع در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس با ایران و تمایل کشورها برای ایجاد روابط دوستانه مشاهده می شود. بر همین اساس هدف از پژوهش حاضر تحلیل عوامل کلیدی و پیشران های مؤثر

بر وضعیت آینده منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس با هدف دست یابی به یک مدل کارآمد برای تقویت همکاری ها در آینده است.

مبانی نظری

منطقه ژئوپلیتیکی عبارت است از بخشی از سطح سیاره زمین و یا مجموعه‌ای از کشورها و واحدهای سیاسی-فضائی همجوار، اعم از فضای خشکی یا آبی یا تلفیقی که بر اساس ترکیب عوامل سیاسی و جغرافیایی خاص دارای تجانس و هویت مشخص و یا کارکرد مشترک بوده و از سایر مناطق و نواحی مجاور متمایز شود. مانند منطقه‌ی خلیج فارس، دریای خزر، قاره اروپا و غیره.

منطقه‌ی ژئوپلیتیکی بر پایه یک منطقه یا فضای جغرافیایی متجانس از حیث ساختاری و یا کارکردی شکل می‌گیرد. هویت‌یابی منطقه‌ی ژئوپلیتیکی مستلزم باردار شدن سیاسی منطقه‌ی جغرافیایی متجانس و عناصر مربوط به آن است.

در یک منطقه‌ی ژئوپلیتیکی عوامل و متغیرهای طبیعی و انسانی آن دارای کارکرد سیاسی بوده و نظر دولت‌ها و کشورهای درون منطقه‌ای و به ویژه قدرت‌های جهانی را به خود جلب می‌کند و کنش و واکنش آنها پیدایش الگوی رقابت، همکاری و نزاع را بر می‌انگیزاند. منطقه ژئوپلیتیکی بستر ساز شکل‌گیری الگوی فضایی روابط سیاسی دولت‌های درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای است. منطقه‌ی ژئوپلیتیکی در فرایند تکاملی خود به سازه‌ی ژئوپلیتیکی تبدیل می‌شود. در این حالت نیروهای سیاسی منطقه‌ای و غیر منطقه‌ای فعال شده و فرایندهای همگرایی، واگرایی، کشکش، ستیز، همکاری و تعاون توسعه می‌یابد. نیروهای ترکیب کننده و تجزیه گر فعال می‌شوند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

چنانچه نیروهای سیاسی فعال در سازه‌ی ژئوپلیتیکی اعم از درونی و برونی بر اساس عناصر و خصیصه‌های ساختاری و کارکردی درون منطقه‌ای با یکدیگر به تفاهم و همسوئی رسیده و نوعی همبستگی و وابستگی متقابل توأم با درک مشترک نسبت به امور منطقه فراهم آید سازه‌ی ژئوپلیتیکی به صورت تک معیاری یا چندمعیاری به کمال و همگرایی می‌رسد و بستر ساز تأسیس سازمان منطقه‌ای می‌شود.

در مرحله‌ی سازه‌ی ژئوپلیتیکی تلاش‌های توجیهی و و رایزنی‌ها توسعه یافته و نوعی خود آگاهی درون منطقه‌ای برای ضرورت توسعه همکاری متقابل و برقراری امنیت در منطقه شکل می‌-

گیرد و به صورت فلسفه‌ای درون منطقه‌ای ایجاد و تأسیس سازمان رسمی منطقه‌ای را مورد تأکید قرار می‌دهد که در صورت غلبه نهایی نیروهای همگرا بر نیروهای واگرا سازمان منطقه‌ای شکل گرفته و تأسیس می‌شود (حافظ نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۸۸: ۷۶-۷۳).

منطقه ژئوپلیتیکی از دیدگاه کوهن دومین سطح از ساختار ژئوپلیتیکی است. به باور وی اکثر مناطق زیربخش‌هایی از حوزه‌ها هستند. اگرچه ممکن است برخی میان آنها قرار داشته یا مستقل از آنها باشند. مناطق توسط همجواری جغرافیایی و تعاملات سیاسی، فرهنگی، و نظامی و شاید به واسطه مهاجرت و آمیزش مردمان و تاریخ‌های مشترک ظهور ملی به یکدیگر پیوند می‌خورند (کوهن، ۱۳۸۷: ۹۱).

مناطق جهان در نظریه‌های ژئوپلیتیک

سیاست کنترل فضاها و مکان‌های استراتژیک در دوره پس از رنسانس بوسیله‌ی دولت‌های اروپایی ابتدا توسط پرتغال و اسپانیا و در ادامه انگلستان، فرانسه، هلند و روسیه تعقیب و تداوم یافت. پادشاهی پرتغال ناوگانی بزرگ که در آن زمان (۱۵۰۶) کمتر متداول بود به سوی اقیانوس هند و خلیج فارس گسیل داشت.

در مجموع سیاست کنترل مکان‌ها که کنترل و تسلط بر فضاها بزرگتر را می‌توانست به دنبال داشته باشد ابتدا به وسیله ایرانی‌ها عرضه شد و در دوره جدید و پس از رنسانس و ظهور قدرت‌های دریایی اروپایی تداوم یافت و اواخر سده‌ی نوزدهم و سراسر سده‌ی بیستم در قالب نظریه‌های ژئوپلیتیکی که اغلب مبتنی بر کنترل مکانی-فضایی بود عرض اندام کرد.

در ادامه و در غالب جدول به برخی از نظریه‌ها که به صورت مستقیم با منطقه جنوب غرب آسیا مرتبط است اشاره می‌شود. در این میان کوهن برای تحلیل نظریه خود چهار منطقه را مد نظر قرار داد که یکی از آنها منطقه درهم نام دارد. کوهن در نظریه ژئوپلیتیکی خود قبل از جنگ سرد سه منطقه درهم را که شامل خاورمیانه، جنوب شرق آسیا و آفریقای استوایی بود شناسایی کرد (کوهن، ۱۳۸۷: ۸۵).

جدول ۱: اشاره به برخی از نظریات ژئوپلیتیک (کوهن، ۱۳۸۷)

ویژگی	واضع	نظریه	
مکیندر منطقه خشکی بزرگ اوراسیا را منطقه قدرت‌ساز می‌دانست و نگاه او به مقوله قدرت اغلب خشکی محور بود.	مکیندر	کنترل فضایی	۱

۲	مناطق ریملند	اسپایکمن	اسپایکمن مناطق حاشیه‌ای اوراسیا را واجد شرایط واقعی فرصت قدرت‌سازی و قدرت دریایی برای یک قدرت برتر جهانی می‌دانست.
۳	نظام ژئوپلیتیک جهان	کوهن	کوهن در نظریه خود در قالب یک سیستم الگو توزیع قدرت، نوع روابط قدرت بین بازیگران، اجزاء سازنده نظام بین الملل، ساختار فضایی و عوامل پویایی نظام را مورد بحث قرار می‌دهد.

منطقه‌گرایی در آینه جغرافیای سیاسی

منطقه‌گرایی را می‌توان به عنوان درهم تنیدگی گروه‌هایی از مردم و سرزمین‌های خاص در راستای یک فرض اصلی ناسیونالیسم توصیف کرد. مفاهیم هویتی در جغرافیای سیاسی را می‌توان به عنوان موضوع محوری منطقه‌گرایی جغرافیایی در نظر گرفت. منطقه‌گرایی تنها زمانی قابل تشخیص است که جزئی از یک واحد سرزمینی بزرگ‌تر را نمایندگی کند؛ واحدی که گستره منطقه‌ای یک نظام سیاسی است.

جان اگنیو استدلال می‌کند که هویت‌های گروه هم‌تا برای تحقق مناطق بسیار مهم هستند زیرا منطقه‌گرایی خود را به صورت روابط محدود سرزمینی در گروه‌ها و کنار هم قرار دادن این روابط گروهی در مقیاس‌های مختلف نشان می‌دهد. احساس جامعه به عنوان یک تصور مشترک در میان گروه‌ها در مقیاس منطقه‌ای به عنوان مسئول ظهور احساس هویت منطقه‌ای فرض می‌شود. با این حال، چنین روایتی که بیشتر بر مسائل فرهنگی در مسیر منطقه‌گرایی تأکید از سوی برخی اندیشمندان مورد انتقاد قرار می‌گیرد (Dirksmeier, 2021:3).

منطقه در جغرافیا هنگامی قابل تشخیص و برخوردار از یک ماهیت جغرافیایی یکپارچه و متمایز از دیگر مناطق است که عوامل پیوند دهنده اجزاء آن به خوبی آشکار و قابل تشخیص و شناسایی باشد. از نظر محیط فیزیکی، یک منطقه باید محیط یکپارچه‌ای باشد، یا دست کم، دارای ویژگی‌های جغرافیایی و استراتژیکی مشابهی باشد (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۱۸۰).

حافظ نیا در خصوص تعریف منطقه، ابعاد و اشکال آن می‌نویسد: منطقه به عنوان بخشی از فضای جغرافیایی سطح کره زمین است که به لحاظ ساختاری و یا کارکردی از تجانس و یگانگی برخوردار می‌باشد و بر پایه خصیصه‌های ساختاری و یا کارکردی از مناطق هم‌جوار خود متمایز می‌شود. مناطق جغرافیایی برپایه یک یا چند خصیصه ساختاری نظیر کالبد فضا، نوع اقلیم، نوع

زبان، نوع دین و مذهب، نوع و سطح فرهنگ و تمدن و یا خصیصه‌های کارکردی نظیر: تولید محصول و یا عملکردهای اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی، فرهنگی، سیاسی و غیره تعیین هویت می‌شوند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۵۸).

از منظر جغرافیای سیاسی منطقه‌گرایی یکی از راه‌های نزدیکی ملت‌ها و دولت‌ها دانسته شده است که در زمینه‌های گوناگون نظامی، سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی تجلی داشته است (زارعی، ۱۳۹۴: ۱۱).

از دهه ۱۹۹۰ توجه به بعد یکپارچگی منطقه‌ای در کانون توجهات قرار گرفت و در مقیاس‌های وسیع‌تری مطالعه شد. بسیاری از مطالعات بر روی فرآیندهای منطقه‌گرایی متمرکز شد و استراتژی‌های یکپارچه کنونی نه تنها با انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی بلکه از طریق مجموعه‌ای از ایده‌ها، استانداردها، ارزش‌ها، باورها یا ادراکات نیز ترویج شد. امروزه استراتژی‌های منطقه‌گرایی بیش از هر چیز بر باورهای مشترک شرکت کنندگان در فرایند تأکید دارد و در واقع این باورها به نقاط قانونی تبدیل شده است و رفتار بازیگران حول آن محور تنظیم می‌شود. به طور کلی در فرایند منطقه‌گرایی این انتظار وجود دارد که تصویر مطلوبی از آینده این تلاش‌ها از نظر اقتصادی و سیاسی فراهم شود و ویژگی‌های ایده آلی به گونه‌ای باشد که بر سیاست خارجی کشورهای درگیر اثر مثبت بگذارد و نیز دهنیت یکپارچه‌کننده ملت‌ها را تضمین کند (Izotov and Obydenkova, 2020: 3).

جدول ۲: شرایط شکل‌گیری همگرایی

شرایط شکل‌گیری همگرایی یا سازمان منطقه‌ای	
وجود پیوندهای اجتماعی ناگسستی	۱
رشد اقتصادی برتر در همه یا برخی	۲
ظرفیت‌های سیاسی و اداری کافی	۳
سازگاری در ارزش‌های متقابل سیاسی	۴
حضور و بازیگری نخبگان سیاسی در میدان	۵
متقابل بودن مزایای همگرایی	۶
وجود یک شرایط جذاب زندگی پسا همگرایی	۷
پیوندهای مذهبی	۸

(منبع: زارعی ۱۳۹۴: ۱۳۲ با کمی تغییر)

منطقه گرایی در عصر جدید

باید در نظر داشت منطقه گرایی قدیم با منطقه گرایی های کنونی تفاوت های آشکاری دارند. به عبارت بهتر اگرچه منطقه گرایی سابقه ای هشت دهه ای دارد ولی این منطقه گرایی ها در طول زمان با یکدیگر تفاوت دارند:

۱- منطقه گرایی های قدیم وابسته به نظام دو قطبی بود، در حالی که منطقه گرایی جدید در شرایط چند قطبی شدن جهان مطرح شده است.

۲- سازمان حاکم بر منطقه گرایی دهه های پیشین بر اساس نظم و خواست و دستورات از بالا به پایین دو ابر قدرت جهانی بود. در حالی که تقسیم بندی جدید منطقه ای بر اساس خواست واقعی دولت-ملت و با در نظر گرفتن منافع ملی شان است.

۳- همکاری های اقتصادی در نظام قدیم منطقه گرایی بسته بود. در حالی که در منطقه گرایی نوین این همکاری بسیار باز بوده و به خارج از مرزهای منطقه نیز کشیده می شود.

۴- در نظام منطقه ای قدیم یکی از قطب ها به امنیت و دیگری به اقتصاد می پرداخت. حال آنکه طبقه بندی های امروزی و نظام های جدید، ابعاد امنیت، سیاست، اقتصاد، محیط زیست و... مطرح است.

۵- در نظام جدید منطقه ای هر عضو یا واحد سیاسی مستقل، در ساختار جهانی جایگاه ویژه خود را داراست، در عین حال دیگر اعضاء منطقه ای او را مستقل نمی شناسند. در حالی که در قطب بندی های منطقه ای قدیمی همکاری بین اعضاء ظاهری و قالبی بود و دیگر اعضاء قدرت مانور اندکی برای شناساندن جایگاه خود در ساختار جهانی داشتند. همچنین انتظار می رود منطقه-گرایی های کنونی که این اتحادیه های اقتصادی در قبال بحران های اقتصادی بین المللی دچار خسارت های کمتر شوند و یا دست کم به سرعت بتوانند جراحات های وارده را را ترمیم کنند. در عین حال توزیع منطقی ثروت ها در گسترش تبادلات تجاری منطقه ای و در نتیجه، همگن سازی درآمدها کارکرد شناخته شده ای دارد (کریمی پور، ۱۳۸۱: ۴۵).

هویت فرهنگی و همبستگی منطقه ای

همگرایی مبتنی بر فرهنگ و منافع مشترک یکی از بهترین، کارآمدترین و تجربه شده ترین نمونه های همگرایی در جهان امروز است. زمانی که یک منطقه قابلیت های متعدد برای تبدیل شدن

به یک نظام منطقه با منافع مشترک و اعتماد متقابل برآمده و برخاسته از دین، فرهنگ و ارزش‌های مشترک، تاریخ و جغرافیای مشترک داشته باشد شرایط برای همگرایی منطقه‌ای را دارا است و این مناطق آسان‌تر می‌توانند به یک سازمان منطقه‌ای دست یابند (زارعی، ۱۳۹۴: ۲۸).

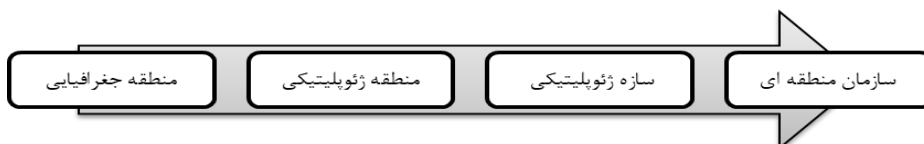
در مجموع در این رابطه باید گفت نظر به اینکه هویت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی هویتی فرهنگی، عقیدتی و سیاسی است و تداوم حیات سیاسی خود را نیز در حفظ شرایط و وضعیت موجود می‌بیند، از این رو تلاش برای تداوم چنین رویکردی و ایجاد همگرایی منطقه‌ای در جهان اسلام و کمر بند طلایی خاورمیانه را باید در راستای نگاه فرهنگی مستدام ایران با توجه به خصلت فرهنگی، عقیدتی آن جست و جو کرد.

این نگاه متأسفانه هیچگاه نتوانسته است به عنوان اصولی گره گشا و سازنده و بسترساز گفت و گو، تعامل، همکاری و همگرایی منطقه‌ای باشد. برای مثال می‌توان به تلاش ایران برای شکل‌دهی به کمر بند فارسی‌زبانان در آسیای جنوبی و مرکزی اشاره کرد که اگرچه نوعی منطقه فرهنگی با هویت متمایز ریشه‌دار تاریخی تعلق دارند اما در عمل توفیق چندانی حاصل نکردند.

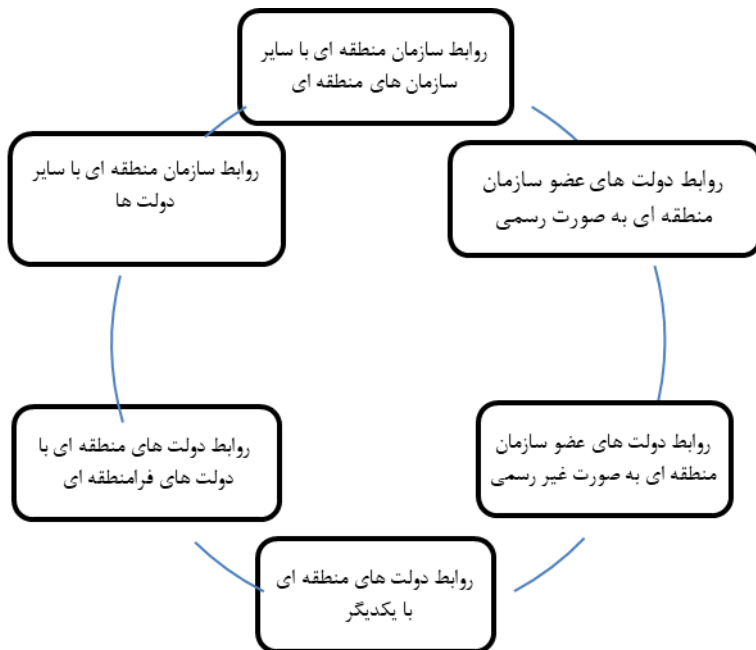
فرایند تشکیل نظام منطقه‌ای

نظام منطقه‌ای کلیت منسجم یا غیر منسجم متشکل از دولت‌های مرتبط است که خصیصه‌ها و عناصر ساختاری نسبتاً متجانس توأم با روابط دو یا چند جانبه پیدا و پنهان دارند و خود نیز به کلیت‌های مادون، ماوراء و هم‌تراز و دارای روابط دو یا چندجانبه است. به دیگر سخن در یک نظام متشکل منطقه‌ای دولت‌های مستقل ملی تا حدودی از حاکمیت خود را برای ایجاد یک نهاد قدرتمند فراملی صرف نظر کرده است (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۸۸: ۵۹).

در شکل‌گیری نظم منطقه‌ای معمولاً فرایندی چهار مرحله‌ای طی می‌شود که در یک نظام منطقه‌ای واجد سازمان بین‌المللی منطقه‌ای الگوهای رابطه‌ای متعددی وجود دارد که در زیر به آنها اشاره می‌شود:



شکل ۱: فرایند تشکیل سازمان منطقه‌ای (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۸۸: ۷۵)



شکل ۲: الگوهای رابطه‌ای در سازمان‌های منطقه‌ای (رضایی، ۱۳۸۷: ۴۲).

در مجموع فرایند تشکیل نظام منطقه‌ای را باید یک فرایند چهار مرحله‌ای دانست که البته رسیدن به مرحله آخر آن که رسیدن به یک یا چند الگوی رابطه‌ای را هم در پی خواهد داشت، نباید فرایند چندان آسانی دانست.

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس روش تحقیق اکتشافی- کاربردی است. داده‌های مورد نیاز با بهره‌گیری از مصاحبه با متخصصان بدست آمده است. حجم نمونه مصاحبه با متخصصان (برای تحلیل نیروهای پیشران) بر اساس مدل دلفی، برابر با ۳۰ نفر در قالب ۲ گروه ۱۶ و ۱۴ نفری می‌باشد (Landeta, 2006: 470). در واقع برای شناسایی نیروهای پیشران در آینده منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس بعد از مطالعات اسنادی از روش دلفی استفاده شد. در مطالعه دلفی، پرسشنامه‌ای از برداشت‌های صورت گرفته طراحی و به کارشناسان ارسال شد. سپس پاسخ‌های آن‌ها جمع‌آوری و خلاصه شد و خلاصه پاسخ‌ها همراه با توضیحات به هر یک از کارشناسان بازگشت داده

شد تا سرانجام یک اتفاق نظر کلی درباره متغیرهای تحقیق انجام پذیرفت. همچنین از روش تحلیل ساختاری با استفاده از نرم افزار میک برای شناسایی عوامل موثر بر وضعیت آینده منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس استفاده شده است. این نرم افزار خروجی های مختلفی را از اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای تاثیرگذار و تاثیرپذیر ارائه می دهد و در نهایت می توان با استفاده از آن متغیرهای کلیدی آینده را شناسایی کرد.

قلمرو تحقیق

جنوب غرب آسیا در متون سستی به عنوان یک حوزه جغرافیایی وسیع به کار برده می شود که چندین منطقه مشهور را که در مطالعات منطقه ای به مثابه مناطقی جداگانه محسوب می شوند، در خود جای می دهد. بخش هایی از منطقه قفقاز، ایران، پاکستان و افغانستان، بخش هایی از آسیای مرکزی، عراق، ترکیه، کشورهای حاشیه خلیج فارس، سوریه، لبنان، فلسطین و گاهی مصر نیز در ادبیات رایج به عنوان بخشی از جنوب غرب آسیا در نظر گرفته می شوند (سلیمی؛ ۱۳۸۸: ۱۲۷). سازمانها و مراکز علمی، دانشگاهی و سیاسی در کشورهای مختلف هر یک به تناسب برداشتها و دیدگاه های خود و نیز نگاهی که به منافع ملی کشور خود دارند، تعاریف جداگانه را از این محدوده جغرافیایی ارائه داده اند. به عنوان نمونه، مؤسسه مطالعاتی دانشگاه ییل آمریکا در یکی از پروژه های مطالعاتی خود محدوده زیر را که در شکل شماره ۱-۱۵ به نمایش گذاشته شده است، به عنوان جنوب غرب آسیا معرفی کرده است. لیکن این محدوده، منطقه ای از شمال شبه قاره هند، آسیای مرکزی، قفقاز، آسیای صغیر، منطقه خلیج فارس و بخش عمده خاورمیانه به معنای مصطلح آن را در بر می گیرد. این تعریف و طرز نگاه به جنوب غرب آسیا حتی در برخی برنامه های بهداشتی و مهاجرتی سازمان ملل نیز وجود دارد (Macfarlane, 2008).



شکل ۳: محدوده جنوب غرب آسیا در پروژه مطالعاتی بیل آمریکا

(<http://www.yale.edu/ceo/DataArchive/swasia.html>)

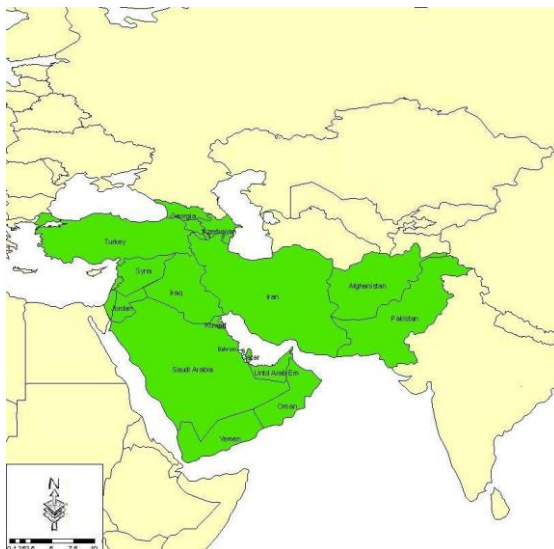
ولی در برخی از متون رسمی تر و حتی اطلاعات دایره المعارفی، مناطق آسیای مرکزی، قفقاز، پاکستان و افغانستان در منطقه جنوب غرب آسیا تعریف نشده و جنوب غرب آسیا تنها به ایران، بخشی از خاورمیانه به معنای کلاسیک و سستی آن، شبه جزیره حجاز و حوزه خلیج فارس اطلاق می شود. شکل ۴ نقشه حوزه جغرافیایی است که در این متون رسمی به عنوان جنوب غرب آسیا خوانده می شود.



شکل ۴: محدوده جنوب غرب آسیا در متون کلاسیک

(en.wikipedia.org/wiki/West_Asia)

انجمن علمی ژئوپلیتیک ایران نیز منطقه جنوب غرب آسیا را این گونه تعریف نموده است: کشورهای مستقل منطقه آسیای جنوب غربی (۱۹ کشور) عبارتند از ایران، ترکیه، سوریه، عراق، اردن، لبنان، فلسطین اشغالی (اسرائیل)، عربستان، یمن، عمان، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، کویت، پاکستان، افغانستان، آذربایجان، ارمنستان، گرجستان (انجمن ژئوپلیتیک ایران؛ ۱۳۸۷). این انجمن، نقشه ای را نیز به عنوان محدوده جنوب غرب آسیا منتشر کرده است (شکل ۵).



شکل ۵: محدوده مشخص شده منطقه جنوب غرب آسیا توسط انجمن علمی ژئوپلیتیک ایران

منبع (انجمن علمی ژئوپلیتیک ایران، ۱۳۸۷)

منطقه جنوب غرب آسیا شبه جزیره ای است که از سه جانب توسط آب های بین المللی احاطه شده است. این منطقه از جنوب با آب های خلیج فارس، دریای عمان، اقیانوس هند و دریای عرب، از سمت جنوب غرب با دریای سرخ، از جانب غرب با دریای مدیترانه و از سمت شمال نیز با آب های دریای سیاه و دریای خزر ارتباط دارد. تنها از جانب شرق و شمال شرق است که به خشکی های شبه قاره هند و آسیای مرکزی محدود شده است (قریان نژاد، ۱۳۹۲: ۱۶۴).

منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس

منطقه خلیج فارس شامل هشت کشور ایران، عراق، عربستان، کویت، امارات، قطر، عمان و بحرین است. (کمب و هاروی، ۱۳۸۳: ۱۹۰) خلیج فارس با مساحتی حدود ۲۹۵۰۰ مایل مربع نزدیک به ۶۳ درصد از کل ذخایر نفتی شناخته شده در جهان را در خود جای داده است. در حال

حاضر، به رغم این که جهان فقط برای حدود ۴۱ درصد از مصارف نفتی خود، به خلیج فارس متکی است، ولی این وضعیت در حال تحول بوده و همان گونه که وزارت انرژی ایالات متحده ی آمریکا اخیراً اعلام کرده است، جهان به زودی برای تأمین ۶۵ درصد نیازهای نفتی خود به خلیج فارس وابسته خواهد شد. این منطقه غیر از نفت، قریب ۳۰ درصد از ذخایر گاز جهان را نیز در خود جای داده که پس از روسیه، دومین منطقه از لحاظ میزان ذخایر گاز در جهان است. خلیج فارس با منابع طبیعی و معدنی فراوان خود، دیگر تنها به خاطر ایفای نقش ارتباط دهنده ی یک بزرگراه تجاری میان شرق و غرب جهان اهمیت ندارد، بلکه در حال حاضر، یکی از دو سر انتهایی در معادلات اقتصادی جهان به شمار می آید. خلیج فارس همچنین منطقه ای است که شریان حیات غرب، یعنی نفت از آن عبور می کند. بیش از ۲۵ درصد عرضه نفت جهان از این منطقه می گذرد. از این رو، این منطقه برای نظام سرمایه داری و در رأس آن آمریکا، حایز اهمیت حیاتی است. تهدید امنیت خلیج فارس تهدیدی امنیتی برای سیستم جهانی محسوب می شود. از این رو سیستم جهانی به خلیج فارس به عنوان تعلق ژئوپولیتیکی نگاه می کند.

یافته های پژوهش

تحلیل عوامل کلیدی و پیشران های مؤثر بر وضعیت آینده منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس در این مرحله از پژوهش از متخصصان و کارشناسان حوزه مورد مطالعه درخواست شده است که نظریات و خود را درباره موضوع ارائه دهند. در این راستا، در پژوهش حاضر جهت شناسایی متغیرهای اولیه مؤثر بر وضعیت آینده منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، از روش دلفی، استفاده شده است، که ابتدا به جست و جوی انتخاب متخصصان و کارشناسان و مجریان دخیل در حوزه مورد مطالعه پرداخته شده و بعد از انتخاب آنها، فرایند انجام پرسشگری و استخراج نظرات آنها در رابطه با منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس انجام گرفته است و در نهایت بعد از پایش متغیرها، ۳۵ متغیر در قالب ۳ عامل کلی (پیشران های ژئواکونومیک، پیشران های ژئوپولیتیک و پیشران های امنیتی) به عنوان متغیرهای اولیه مؤثر بر منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس انتخاب شده و با استفاده از نرم افزار میک مک، تجزیه و تحلیل شدند. در روش تحلیل اثرات متقابل تلاش می شود تا تأثیر (با احتمال تأثیر) یک متغیر بر متغیر دیگر پیش نگری شود و مجموع این اثرات متقابل محاسبه شود (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۴۰). برای رسیدن به این هدف، میشل گوده فرانسوی

تحلیل ساختاری با استفاده از نرم افزار میک مک را به عنوان یکی از اجزاء آینده نگاری استراتژیک معرفی کرد (Gorane et al, 2012).

جدول ۳: پیشران‌ها و عوامل کلیدی موثر بر آینده منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس

پیشران های ژئوکونومیک	پیشران های ژئوپولیتیک	پیشران های امنیتی
تجارت نفت و گاز	اختلافات فرهنگی	ثبات امنیتی عراق
ترانزیت کالا	اختلافات ارضی و مرزی	رقابت های تسلیحاتی
مناسبات ارزی	مسائل زیست محیطی	تروریسم
ایجاد بازار مشترک	بحران مشروعیت	اسلام گرای افراطی
تبادل نیروی کار	اندیشه های ناسیونالیستی	جنگ نیابتی
همکاری دریایی	نفوذ قدرت های بزرگ	سلاح کشتار جمعی
همکاری کشاورزی	حکومت های رانتی	حضور قدرت های بیگانه
همکاری گردشگری	حکومت های پادشاهی	کمبود آب
اقتصاد تک محصولی	منازعات درون منطقه ای	بیداری اسلامی
وابستگی اقتصادی	اشتراکات دینی	مبارزه با مواد مخدر
شرکای فرامنطقه ای	موقعیت همسایگی	
	خروج احتمالی آمریکا	
	ورود اسرائیل	
	ورود چین	

تحلیل کلی محیط سیستم

بر اساس روش دلفی که در بالا اشاره شد، ۳۵ متغیر در ۳ حوزه به عنوان عوامل مؤثر بر وضعیت آینده منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس شناسایی شده است و سپس با استفاده از روش تحلیل اثرات متقابل یا ساختاری توسط نرم افزار MICMAC جهت استخراج عوامل اصلی تأثیرگذار بر وضعیت آینده محیط مورد مطالعه مورد تحلیل قرار گرفتند. بر اساس تعداد متغیرها ابعاد ماتریس ۳۵*۳۵ می باشد. با قرار دادن این عوامل در یک ماتریس ۳۵ در ۳۵ تأثیر هر کدام از این عوامل بر یکدیگر توسط وزن دهی به عوامل (از صفر تا ۳) مشخص شد. تمامی عوامل دخیل در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، همچون سیستمی با عناصر در هم تنیده، و به صورت یک ساختار، در نظر گرفته می شود، و ارتباطات این عوامل با هم مورد سنجش قرار می گیرد تا عوامل برتر که تأثیر گذاری بیشتری دارند استخراج شوند.

ارزیابی پلان تأثیر گذاری و تأثیر پذیری متغیرها

شیوه توزیع و پراکنش متغیرها در صفحه پراکندگی، حاکی از میزان پایداری و یا ناپایداری سیستم است. در حوزه روش تحلیل اثرات متقاطع/ ساختاری، تحت نرم افزار MICMAC در مجموع دو نوع پراکنش تعریف شده است که به نام سیستم های پایدار و سیستم های ناپایدار معروف هستند. در سیستم های پایدار پراکنش متغیرها به صورت **L** انگلیسی است، یعنی برخی متغیرها دارای تأثیر گذاری بالا و برخی دارای تأثیر پذیری بالا هستند. در سیستم های پایدار مجموع سه دسته متغیر قابل مشاهده است:

الف: متغیرهای بسیار تأثیرگذار بر سیستم (عوامل کلیدی)

ب: متغیرهای مستقل

ج: متغیرهای خروجی سیستم (متغیرهای نتیجه)

در این سیستم جایگاه هر یک از عوامل کاملاً مشخص و نقش آن نیز به وضوح قابل ارائه است. در مقابل در سیستم های ناپایدار وضعیت پیچیده تر از سیستم های پایدار است و متغیرها در حول محور قطری صفحه پراکنده بوده و در اکثر مواقع حالت بینابینی از تأثیر گذاری و تأثیر پذیری را نشان می دهند که ارزیابی و شناسایی عوامل کلیدی را بسیار مشکل می نماید (Godet, 2003: 21). در سیستم ناپایدار نیز متغیرهای زیر قابل مشاهده است:

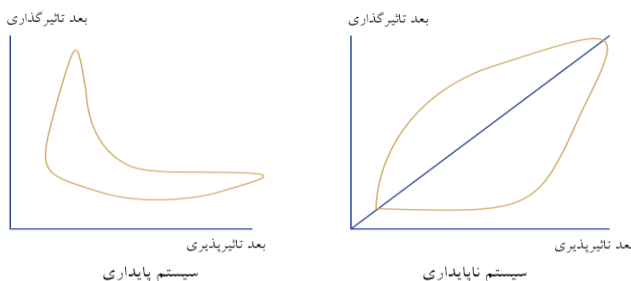
الف: متغیرهای تأثیرگذار

ب: متغیرهای دوجویی (متغیرهای ریسک و متغیرهای هدف)

ج: متغیرهای تنظیمی

د: متغیرهای تأثیرپذیر یا نتیجه سیستم

ه: متغیرهای مستقل



شکل ۶: الگوی سیستم پایدار و ناپایدار (Godet, et al., 2003: 22)

آنچه از وضعیت صفحه پراکندگی متغیرهای مؤثر بر منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس می توان فهمید، وضعیت ناپایداری سیستم است. متغیرها دارای دو نوع تأثیر هستند، تأثیرات مستقیم و تأثیرات غیر مستقیم که در ادامه به تفصیل توضیح داده می شود.

ارزیابی تأثیرگذاری و تأثیر پذیری مستقیم متغیرها

جهت تحلیل تأثیرات مستقیم متغیرها، هر کدام از روابط متغیرها توسط نرم افزار MICMAC سنجیده شد و میزان و درجه تأثیرات مستقیم آنها بر یکدیگر مشخص گردید با توجه به نتایج به دست آمده در جدول زیر، شیوه توزیع و پراکنش متغیرهای مؤثر بر منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس در صفحه پراکندگی، حاکی از ناپایداری سیستم می باشد، بنابراین، ۴ دسته متغیر (متغیرهای دوجبهی، متغیرهای تنظیمی، متغیرهای تأثیرپذیر، متغیرهای مستقل) قابل شناسایی هستند که در ادامه توضیح داده شده است.

جدول ۵: میزان تأثیرات مستقیم متغیرها بر یکدیگر

میزان تأثیرگذاری	میزان تأثیرپذیری	متغیر	N°
۵۶	۶۰	تجارت نفت و گاز	۱
۳۴	۵۷	ترانزیت کالا	۲
۳۹	۵۷	مناسبات ارزی	۳
۶۴	۶۵	ایجاد بازار مشترک	۴
۴۱	۵۱	تبادل نیروی کار	۵
۴۴	۶۴	همکاری دریایی	۶
۲۸	۴۷	همکاری کشاورزی	۷
۳۸	۵۴	همکاری گردشگری	۸
۵۳	۴۹	اقتصاد تک محصولی	۹
۳۹	۵۳	وابستگی اقتصادی	۱۰
۴۵	۶۵	شرکای فرامنطقه ای	۱۱
۲۵	۱۹	اختلافات فرهنگی	۱۲
۵۵	۴۳	اختلافات ارضی و مرزی	۱۳
۱۲	۳۱	مسائل زیست محیطی	۱۴
۵۵	۲۲	بحران مشروعیت	۱۵
۲۴	۲۴	اندیشه های ناسیونالیستی	۱۶

№	متغیر	میزان تأثیرپذیری	میزان تأثیرگذاری
۱۷	نفوذ قدرت های بزرگ	۶۶	۶۴
۱۸	حکومت های رانتی	۵۰	۵۲
۱۹	حکومت های پادشاهی	۴۴	۶۲
۲۰	منازعات درون منطقه ای	۵۹	۶۶
۲۱	اشتراکات دینی	۱۹	۴۵
۲۲	موقعیت همسایگی	۲۱	۳۱
۲۳	خروج احتمالی آمریکا	۵۱	۴۹
۲۴	ورود اسرائیل	۵۰	۶۲
۲۵	ورود چین	۵۵	۵۶
۲۶	ثبات امنیتی عراق	۳۹	۵۳
۲۷	رقابت های تسلیحاتی	۶۰	۵۴
۲۸	تروریسم	۴۹	۶۵
۲۹	اسلام گرایی افراطی	۴۸	۶۲
۳۰	جنگ نیابتی	۵۴	۶۴
۳۱	سلاح کشتار جمعی	۵۳	۵۸
۳۲	حضور قدرت های بیگانه	۵۵	۶۴
۳۳	کمبود آب	۳۹	۱۸
۳۴	بیداری اسلامی	۳۷	۴۷
۳۵	مبارزه با مواد مخدر	۳۵	۲۱
	Totals	۱۶۴۵	۱۶۴۵

متغیرهای دوجهی

متغیرهای دوجهی دارای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بالا از سایر متغیرها هستند و هر عملی بر روی این متغیرها، بر روی سایر متغیرها نیز واکنش و تغییری را ایجاد خواهد کرد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵). موقعیت فرارگیری این متغیرها در پلان تأثیرگذاری تأثیرپذیری در ناحیه شمال شرقی قرار دارند. متغیرهای دوجهی ظرفیت بسیار بالایی جهت تبدیل شدن به متغیرهای کلیدی سیستم را دارا هستند. این متغیرها را می توان به دو دسته متغیرهای ریسک و متغیرهای هدف تقسیم بندی کرد. متغیرهای زیر با توجه به موقعیت فرارگیری آنها در پلان تأثیرگذاری-

تأثیر پذیری جزء متغیرهای دو وجهی شناخته می شوند: تجارت نفت و گاز، ترازیت کالا، مناسبات ارزی، ایجاد بازار مشترک، همکاری دریایی، اقتصاد تک محصولی، شرکای فرامنطقه ای، حضور قدرت های بیگانه، نفوذ قدرت های بزرگ، حکومت های رانتی، حکومت های پادشاهی، منازعات درون منطقه ای، خروج احتمالی آمریکا، ورود اسرائیل، ورود چین، اختلافات ارضی و مرزی، رقابت های تسلیحاتی، تروریسم، اسلام گرایی افراطی، جنگ نیابتی و سلاح کشتار جمعی.

متغیرهای تنظیمی

متغیرهای تنظیمی در اطراف مرکز ثقل نمودار یا پلان تأثیرگذاری - تأثیرپذیری قرار دارند. این متغیرها می توانند به متغیرهای تأثیرگذار و یا متغیرهای دووجهی ارتقاء یابند (رسولی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶۲). متغیرهای زیر با توجه به موقعیت قرارگیری آنها در پلان تأثیرگذاری - تأثیر پذیری متغیرهای تنظیمی شناخته می شوند: وابستگی اقتصادی، تبادل نیروی کار، همکاری گردشگری و همکاری کشاورزی.

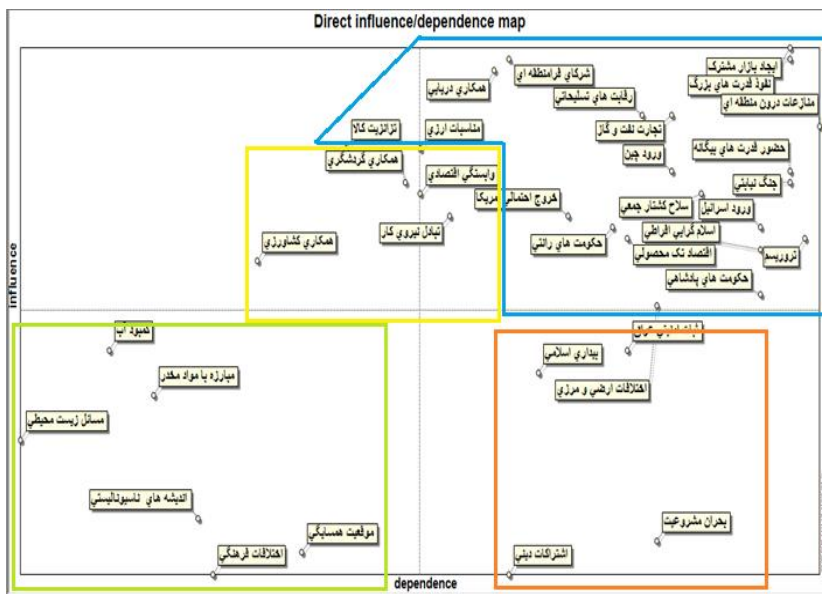
متغیرهای تأثیر پذیر

این متغیرها در قسمت جنوب شرقی پلان تأثیرگذاری - تأثیر پذیری قرار دارند و می توان آنها را متغیرهای نتیجه نیز نامید. این متغیرها از تأثیر پذیری بسیار بالا از سیستم و تأثیرگذاری بسیار پایین در سیستم برخوردار هستند. متغیرهای زیر با توجه به موقعیت قرارگیری آنها در پلان تأثیرگذاری - تأثیرپذیری، متغیرهای تأثیر پذیر شناخته می شوند: بیداری اسلامی، ثبات امنیتی عراق، بحران مشروعیت و اشتراکات دینی

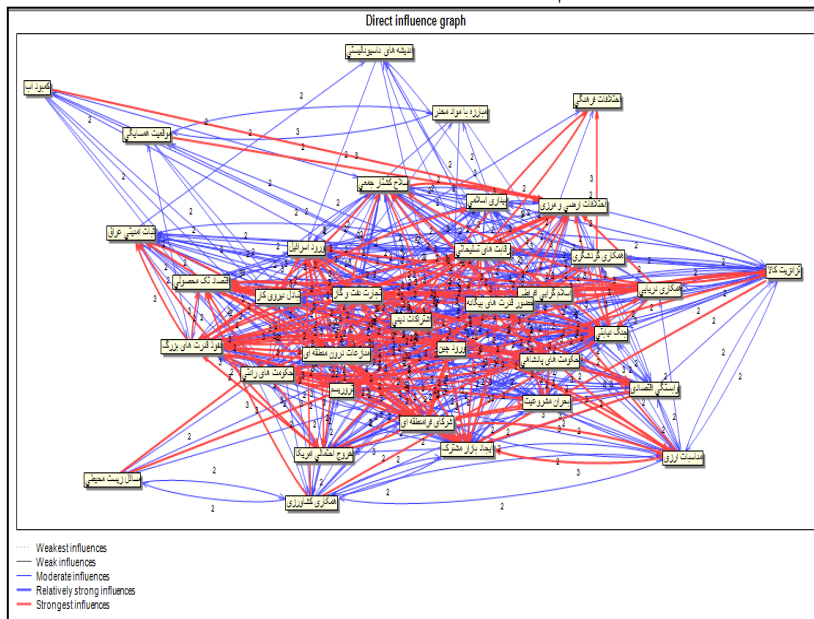
متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل در قسمت جنوب غربی پلان تأثیرگذاری - تأثیر پذیری قرار دارند (جوانشیری، ۱۴۰۰: ۷۵). متغیرهای زیر با توجه به موقعیت قرارگیری آنها متغیرهای مستقل خوانده می شوند: کمبود آب، مبارزه با مواد مخدر، مسائل زیست محیطی، اندیشه های ناسیونالیستی، موقعیت همسایگی و اختلافات فرهنگی

شکل ۷: وضعیت متغیرها بر اساس تغییرات مستقیم متغیرها



شکل ۸: روابط مستقیم بین متغیرها (تغییرات خیلی ضعیف تا بسیار قوی)



شکل فوق ارتباط متغیرها را با هم در نرم افزار میک مک نشان می دهد.

ارزیابی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری غیرمستقیم متغیرها

در این روش هر کدام از روابط متغیرها توسط نرم افزار با توان های ۲، ۳، ۴، ۵ و... رسیده و بر این اساس اثرات غیر مستقیم متغیرها سنجیده شده است. در تحلیل صفحه پراکندگی تأثیرات غیرمستقیم متغیرهای مؤثر بر آینده منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، همانند صفحه پراکندگی تأثیرات مستقیم متغیرها این دسته از متغیرها در سیستم شناسایی گردید:

۱- متغیرهای دو وجهی (متغیرهای ریسک و هدف)

۲- متغیرهای تنظیمی

۳- متغیرهای تأثیرپذیر یا نتیجه سیستم

۴- متغیرهای مستقل

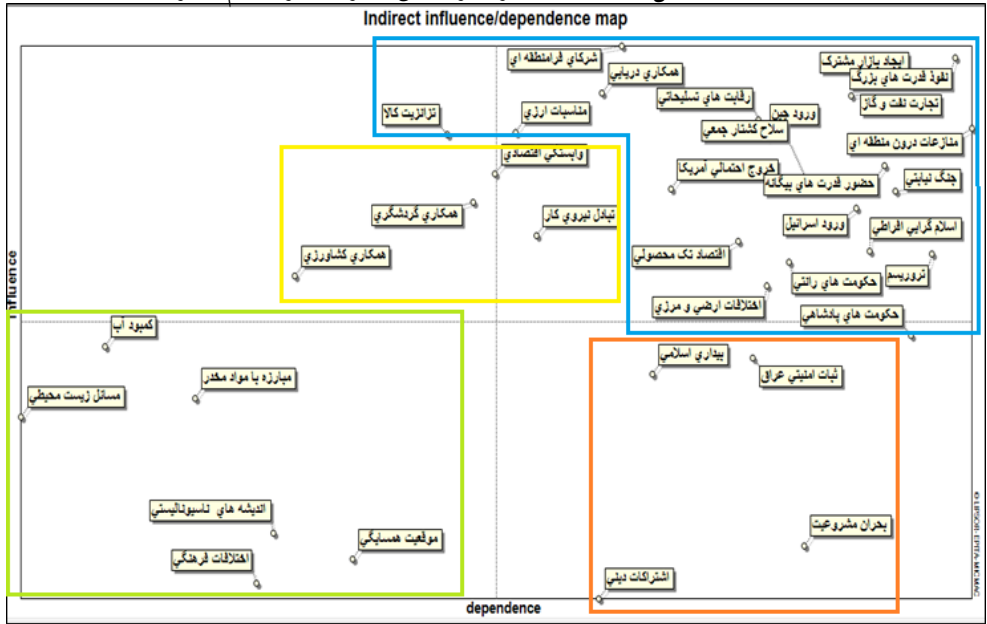
آنچه که از مقایسه نتایج تحلیل اثرات مستقیم و غیرمستقیم به دست آمده، این است که این ۴ دسته از متغیرها در سیستم با کمترین تغییرات و جابجایی در ارزیابی تأثیرات غیرمستقیم متغیرها تکرار شده اند، که در جدول و شکل زیر میزان تأثیرات غیر مستقیم و پراکندگی انواع متغیرها نشان داده شده است.

جدول ۷: میزان تأثیرات غیرمستقیم متغیرها بر همدیگر

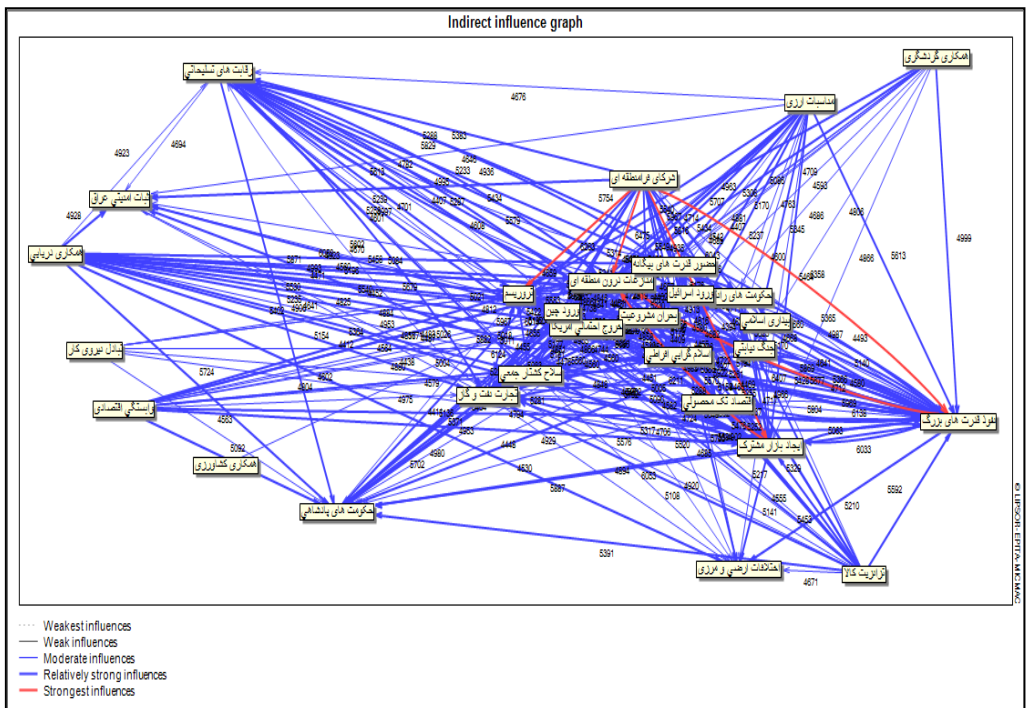
میزان تأثیرگذاری	میزان تأثیرپذیری	متغیر	N°
143160	150186	تجارت نفت و گاز	1
87023	141692	توازنیت کالا	2
96525	142159	مناسبات ارزی	3
152574	154277	ایجاد بازار مشترک	4
99435	119553	تبادل نیروی کار	5
108517	150776	همکاری دریایی	6
65836	110708	همکاری کشاورزی	7
90622	126845	همکاری گردشگری	8
127457	118298	اقتصاد تک محصولی	9
93644	133082	وابستگی اقتصادی	10
111274	161082	شرکای فرامنطقه ای	11
60508	43362	اختلافات فرهنگی	12
131435	108539	اختلافات ارضی و مرزی	13

میزان تأثیر پذیری	میزان تأثیر گذاری	متغیر	N°
79799	27789	مسائل زیست محیطی	14
51556	136644	بحران مشروعیت	15
54351	62863	اندیشه های ناسیونالیستی	16
158508	157624	نفوذ قدرت های بزرگ	17
113725	134523	حکومت های رانتی	18
97654	151469	حکومت های پادشاهی	19
143053	159956	منازعات درون منطقه ای	20
39957	108078	اشتراکات دینی	21
48661	73870	موقعیت همسایگی	22
129757	118121	خروج احتمالی آمریکا	23
125550	143866	ورود اسرائیل	24
140981	131555	ورود چین	25
92733	129477	ثبات امنیتی عراق	26
144920	130270	رقابت های تسلیحاتی	27
115534	154383	تروریسم	28
116123	145728	اسلام گرایی افراطی	29
129281	149310	جنگ نیابتی	30
129917	137474	سلاح کشتار جمعی	31
134869	147789	حضور قدرت های بیگانه	32
95239	39466	کمبود آب	33
89192	115537	بیداری اسلامی	34
83868	51985	مبارزه با مواد مخدر	35
1645	1645	Totals	

شکل ۹: وضعیت متغیرها بر اساس تغییرات غیر مستقیم متغیرها

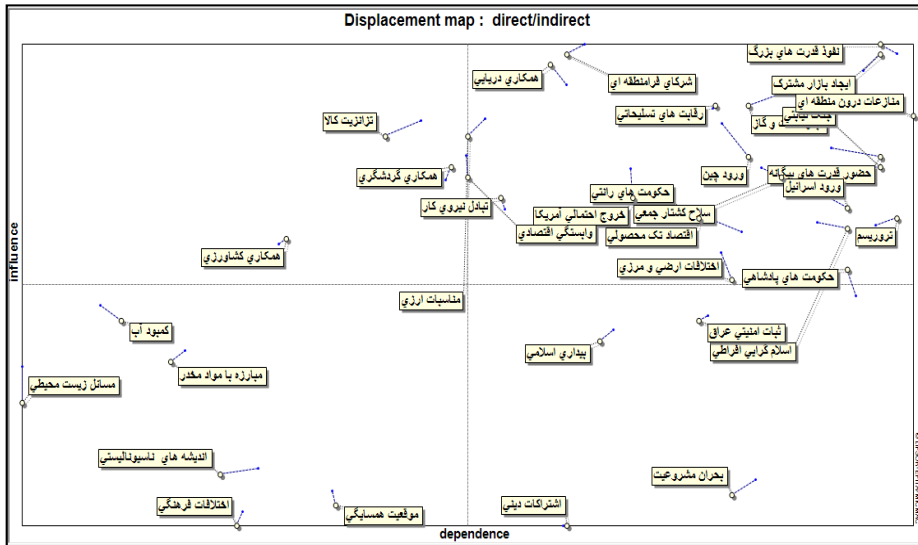


شکل ۱۰: روابط غیر مستقیم بین متغیرها (تغییرات خیلی ضعیف تا بسیار قوی)



میزان جابجایی عوامل در تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها

شکل زیر بیانگر میزان جابجایی عوامل در تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم می باشد. چنانچه مشاهده می گردد، میزان جابجایی ها بر تغییر موقعیت عوامل، تأثیر آنچنانی نداشته است.



شکل ۱۱: میزان جابجایی عوامل در تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها

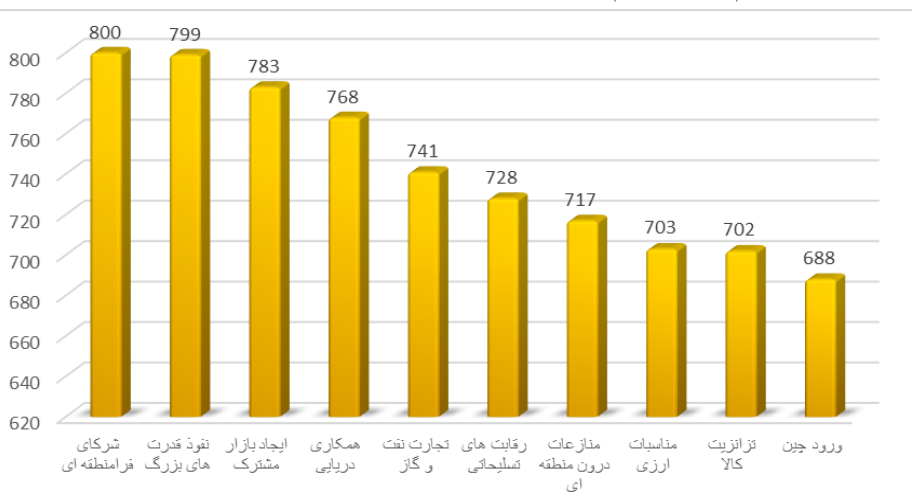
موقعیت و وضعیت عوامل موثر بر منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس در شکل میک مک در این قسمت، ابتدا به بررسی وضعیت عوامل دخیل در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس و به تحلیل کلی سیستم پرداخته شد، طبق مباحث پیشین، ۳۵ عامل شناسایی شد، تأثیرات آنها برهم سنجدیده شد و نهایتاً ۱۰ عامل به عنوان عوامل کلیدی و پیشرانهای مؤثر بر منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس استخراج گردید که همه این ۱۰ عامل در هر دو روش مستقیم و غیر مستقیم تکرار شده اند. عوامل کلیدی با توجه به ترتیب وزن آن ها به شرح جدول زیر می باشند:

جدول ۸: عوامل کلیدی تأثیرگذار (مستقیم و غیر مستقیم)

رتبه	متغیر	تأثیرگذاری مستقیم	متغیر	تأثیرگذاری غیر مستقیم
1	نفوذ قدرت های بزرگ	401	شرکای فرامنطقه ای	405
2	ایجاد بازار مشترک	395	نفوذ قدرت های بزرگ	398
3	شرکای فرامنطقه ای	395	ایجاد بازار مشترک	388
4	همکاری دریایی	389	همکاری دریایی	379

رتبه	متغیر	تأثیرگذاری مستقیم	متغیر	تأثیرگذاری غیرمستقیم
5	تجارت نفت و گاز	364	تجارت نفت و گاز	377
6	رقابت های تسلیحاتی	364	رقابت های تسلیحاتی	364
7	منازعات درون منطقه ای	358	منازعات درون منطقه ای	359
8	توازنیت کالا	346	مناسبات ارزی	357
9	مناسبات ارزی	346	توازنیت کالا	356
10	ورود چین	334	ورود چین	354

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود، در کل عوامل کلیدی و پیشرانهای مؤثر بر منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس به ترتیب شامل عواملی چون شرکای فرامنطقه ای، نفوذ قدرت های بزرگ، ایجاد بازار مشترک، همکاری دریایی، تجارت نفت و گاز، رقابت های تسلیحاتی، منازعات درون منطقه ای، مناسبات ارزی، توازنیت کالا و ورود چین می باشند. لذا با در نظر گرفتن این عوامل کلیدی در سناریوهای منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس می توان به توسعه پایدار در منطقه دست یافت. شکل زیر نیز بیانگر وزن عوامل پیشران در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس می باشد که به صورت مستقیم و غیرمستقیم تأثیرگذار بوده اند.



شکل ۱۲: عوامل با بالاترین امتیاز تأثیر گذاری با جمع وزن های تأثیر گذاری مستقیم و غیرمستقیم

در هر دو حالت تأثیرات مستقیم و تأثیرات غیرمستقیم، عوامل پیشران دارای بالاترین وزن نسبت به سایر عوامل تأثیرگذار می باشند و این به دلیل بالا بودن اهمیت این عوامل در سیستم منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس می باشد.

نتیجه گیری

با توجه حقایق تاریخی و جغرافیایی، رابطه ژئوپلیتیکی ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس، همواره با چالش های فراوانی رو به رو بوده است و به صورت کلی و تحت تأثیر عوامل مختلفی همانند نقش آفرینی مخرب قدرت های بیگانه روابط ایران با اکثر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس مطلوب و سازنده نبوده است.

در پژوهش حاضر تلاش بر این شد تا ضمن بررسی دلایل و زمینه های افتراق و تنش میان کشورهای منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، با در نظر گرفتن الگوهای موفق همکاری و تعامل منطقه ای در دیگر مناطق ژئوپلیتیکی جهان نسبت به بررسی و ارزیابی شاخصه های وحدت ساز و نیز کثرت ساز میان کشورهای منطقه پرداخته شود و با در نظر گرفتن نظر متخصصان و نیز به کارگیری مدل های جدید و به روز تصمیم گیری نسبت به آینده پژوهی شرایط موجود اقدام شود. هدف از این اقدام تلاش برای یافتن و اولویت بندی مولفه های موثر برای بهبود روابط میان ایران و دیگر کشورهای حاضر در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس بود. فرضیه اصلی پژوهش آن بود که در صورت تحقق همگرایی مسالمت آمیز با تکیه بر اشتراکات و نیازی متقابل کشورها، شرایط مطلوب تری در سطح منطقه در حوزه های مختلف فراهم خواهد شد و در عین حال به حکومت های منطقه کمک خواهد شد تا در بالاترین سطح ممکن به تأمین رفاه شهروندانشان پردازند.

مروری بر پژوهش های گذشته که پیرامون زمینه های همگرایی و واگرایی میان ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس انجام شده است، نشان می دهد که اکثر پژوهشگران قلمروسازی های ایدئولوژیک کشورها به ویژه دو قدرت مهم منطقه یعنی ایران و عربستان را در کنار نقش آفرینی مخرب آمریکا و رژیم صهیونیستی و نیز تأکید فراوان بر روی وجوه افتراق به جای تأکید بر روی وجوه اشتراکات را از عوامل اصلی واگرایی قلمداد کرده اند.

همچنین برخی پژوهشگران تلاش برای هر گونه همگرایی و بهبود روابط کشورهای منطقه بدون توجه به ساختارهای معنایی کشورها و الزامات این ساختار را فاقد کارایی لازم عنوان کرده و تأکید کرده اند که اگرچه توجه و تقویت مسائلی مانند ایدئولوژی در منطقه به تشدید افتراق ها در دیگر زمینه ها همانند اقتصادی و امنیتی منجر خواهد شد، اما توسعه همکاری های اقتصادی می تواند به عنوان کلیدی برای توسعه روابط راهبردی در سایر حوزه ها منجر شود و نیز به افزایش همگرایی ها کمک کند.

در پژوهش حاضر، ۳۵ متغیر در ۳ حوزه پیشران های ژئواکونومیکی، پیشران های ژئوپلیتیکی و پیشران های امنیتی به عنوان عوامل مؤثر بر وضعیت آینده منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس شناسایی شد و سپس با استفاده از روش تحلیل اثرات متقابل یا ساختاری توسط نرم افزار MICMAC جهت استخراج عوامل اصلی تأثیرگذار بر وضعیت آینده محیط مورد مطالعه مورد تحلیل قرار گرفتند. همچنین پس از شناسایی متغیرها، اولین مرحله، تشکیل ماتریس مقایسات زوجی مستخرج از نشست های دلفی مدیران (در مجموع ۳۰ نفر) انجام شد که در آن میزان تأثیر هر یک از متغیرها بر سایر متغیرها سنجیده شد.

همانطور که پیشتر اشاره شد شیوه توزیع و پراکنش متغیرها در صفحه پراکندگی میزان پایداری و یا ناپایداری سیستم را نمایش می داد و نیز در این آزمون آماری جایگاه هر یک از عوامل کاملاً مشخص و نقش آن نیز به وضوح قابل ارائه بود.

مستند به نتایج استخراج شده متغیرهای تجارت نفت و گاز تزانزیت کالا مناسبات ارزی ایجاد بازار مشترک همکاری دریایی اقتصاد تک محصولی شرکای فرامنطقه ای حضور قدرت های بیگانه نفوذ قدرت های بزرگ حکومت های رانتی حکومت های پادشاهی منازعات درون منطقه ای خروج احتمالی آمریکا ورود اسرائیل ورود چین اختلافات ارضی و مرزی رقابت های تسلیحاتی تروریسم اسلام گرایی افراطی جنگ نیابتی سلاح کشتار جمعی به عنوان متغیرهای دو وجهی یعنی دارای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بالا شناسایی شدند و متغیرهای وابستگی اقتصادی تبادل نیروی کار همکاری گردشگری همکاری کشاورزی به عنوان متغیرهای تنظیمی به این معنا که می توانند به متغیرهای تأثیرگذار و یا متغیرهای دو وجهی ارتقاء یابند شناخته شدند.

همچنین متغیرهای بیداری اسلامی ثبات امنیتی عراق بحران مشروعیت اشتراکات دینی به عنوان متغیرهای تأثیرپذیر و دارای قدرت تأثیرگذاری بسیار پایین بر روی سیستم شناسایی شدند و نیز متغیرهای کمبود آب مبارزه با مواد مخدر مسائل زیست محیطی اندیشه های ناسیونالیستی موقعیت همسایگی اختلافات فرهنگی به عنوان متغیرهای مستقل دسته بندی شدند.

بر اساس محاسبات انجام شده توسط نرم افزار متغیرهای نفوذ قدرت های بزرگ ایجاد بازار مشترک شرکای فرامنطقه ای همکاری دریایی تجارت نفت و گاز رقابت های تسلیحاتی منازعات درون منطقه ای تزانزیت کالا مناسبات ارزی ورود چین به عنوان متغیرهای دارای بیشترین امتیاز تأثیرگذار مستقیم و متغیرهای شرکای فرامنطقه ای نفوذ قدرت های بزرگ ایجاد بازار مشترک

همکاری دریایی تجارت نفت و گاز رقابت های تسلیحاتی منازعات درون منطقه ای مناسبات ارزی ترازیت کالا ورود چین به عنوان متغیرهای دارای بیشترین امتیاز تأثیرگذار غیر مستقیم تعیین شدند. در کل عوامل کلیدی و پیشرانهای مؤثر بر منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس به ترتیب شامل عواملی چون شرکای فرامنطقه ای، نفوذ قدرت های بزرگ، ایجاد بازار مشترک، همکاری دریایی، تجارت نفت و گاز، رقابت های تسلیحاتی، منازعات درون منطقه ای، مناسبات ارزی، ترازیت کالا و ورود چین تشخیص داده شد و این به این معناست که با تمرکز بیشتر روی این متغیرها می توان شرایط منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس را متأثر کرد.

مستند به مطالعات صورت گرفته جمع بندی نهایی پژوهش اینکه برای ترسیم آینده مطلوب میان ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس، کشورهای منطقه باید بر متغیرها و مولفه ها اقتصادی، موقعیت همسایگی، گردشگری، مسائل زیست محیطی، کشاورزی، همکاری در حوزه انرژی، همکاری های دریایی، کاهش نفوذ قدرت های بزرگ (غربی)، تقویت مناسبات ارزی و بانکی و افزایش ترازیت کالا تأکید کنند و از قدرت های خارجی همانند چین و روسیه به عنوان نیروی تقویت مناسبات فی مابین بهره ببرند و همچنین لازم است از اقداماتی مانند رقابت تسلیحاتی و دامن زدن به فعالیت های ضد امنیتی علیه یکدیگر به هر دلیلی پرهیز کنند.

قدردانی

این اثر تحت حمایت مادی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور (INSF) برگرفته شده از طرح شماره «۴۰۰۳۱۱۳» انجام شده است.

منابع

جوانشیری، مهدی؛ نامداززاده، مسلم و نیونی، سیروس (۱۴۰۰). شناسایی و تحلیل پیشران‌های کلیدی مؤثر بر تحقق‌پذیری طرح‌های آمایش سرزمین (مطالعه‌ی موردی: استان خراسان رضوی). مطالعات جغرافیایی مناطق خشک. ۱۱(۴۳)، ۸۷-۶۲.

حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات سمت

حافظ نیا، محمدرضا و کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۸). افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، تهران: نشر سمت
حسینی، علی؛ زارعی، بهادر؛ احمدی، سیدعباس و رستمی، رسول (۱۴۰۰). تبیین توسعه منطقه‌ای با تأکید بر اشتغال در حوزه اقتصاد دریا. مورد مطالعه: استان بوشهر، آمایش جغرافیایی فضا، ۱۱(۳۹)، ۱۲۹-۱۵۲.

رسولی، محمد؛ احدنژاد، محسن و حیدری، محمدتقی (۱۴۰۰). تحلیل اهمیت- عملکرد عوامل کلیدی موفقیت در بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری با تأکید بر ذینفعان (مطالعه موردی: شهر زنجان)، برنامه ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ۶(۱۶)، ۱۴۹-۱۷۸.

زارعی، بهادر (۱۳۹۴). مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

سلیمی، حسین (۱۳۸۸). آسیای جنوب‌غربی به عنوان یک منطقه؟ تحلیل قابلیت اطلاق منطقه به آسیای جنوب غربی. بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۵(۱۵)، ۱۱۶-۱۳۷.

کوهن، برنارد (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک نظام جهانی، به ترجمه عباس کاردان، تهران: انتشارات ابرار معاصر.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۱). فلسفه و کارکرد ژئوپلیتیک، تهران: نشر سمت.

موسوی، میرنجم؛ مدیری، مهدی و کهکی، فاطمه سادات (۱۳۹۵). تبیین عوامل و شاخص‌های تأثیرگذار اسلامی ایرانی در توسعه متوازن استان خراسان رضوی با استفاده از نرم افزار MICMAC، مدیریت شهری، ۱۵(۴۵)، ۷-۳۰.

Dirksmeier, Peter (2021), The impact of regionalism on anti-immigrant attitudes: a multilevel international comparative study, Territory, Politics, Governance, DOI: 10.1080/21622671.2021.1931424

Izotov, Vladimir S. and Anastassia V. Obydenkova (2020), Geopolitical Games in Eurasian Regionalism: Ideational Interactions and Regional International Organisations, Post-Communist Economies, DOI: 10.1080/14631377.2020.1793584

Godet, M. (2003). The art of scenarios and strategic planning: tools and pitfalls. Technological forecasting and social change. Vol. 65, No. 1, pp. 3-22.

Gorane, S.J. and Kant, R. (2012). Modelling the SCM enablers: an integrated ISM-fuzzy MICMAC approach, Asia Pacific Journal of Marketing and Logistics, Vol. 25, No. 2, pp. 263-286.

Landeta, J (2006). Current validity of the Delphi method in social sciences. Technological Forecasting and Social Change, Vol. 73, No. 5, pp. 467-482.

Macfarlane, Neil (2008), The Three Asias: Are They a New Region?, In: World History Archives.